**كمال الدين / ترجمه كمره‏اى ؛ ج‏1 ؛ ص15**

4- وعده قرآن چگونه و كى عملى مى‏شود؟

موضوع پيشگوئى قرآن راجع به عقب‏نشينى و ارتداد و ارتجاع در تاريخ اسلام بسيار روشن و خود نما است از همان روز وفات پيغمبر بنيان گذارى شده و در هر دورى بطورى خود نمائى داشته و تا كنون هم دنباله آن كشيده شده است.

اكنون بايد توجه كرد بموضوع اين وعده مثبت و اصلاحى كه قرآن مجيد باين صراحت بيان كرده است و ما در دو قائمه آن را منظم كرديم.

1- قائمه رجال اصلاح و اوصافى كه قرآن براى آنها بيان كرده است در پنج عنوان گذشته 2- قائمه وضع محيط در تحت چهار عنوان كه دنبال آن ذكر شد.

امروز بيش از چهار صد مليون مردم مسلمان در سراسر جهان زندگانى ميكنند و هر مسلمانى قرآن را كتاب آسمانى ميداند و بدرستى مندرجات آن معتقد است و جمع بسيارى از ديگران هم كتاب قرآن را يك كتاب متين و قابل اعتماد و توجه تلقى كرده‏اند.

اكنون ما از همه اين دو طبقه ميپرسيم در تاريخ گذشته اسلام كه اكنون اواخر قرن چهارده را طى ميكند كدام دوره و زمان اين وعده قرآنى صورت عمل پوشيده است و مردانى متصف بآن پنج صفت قيام كرده‏اند و بنفع اسلام پيشروى نموده و يك محيط امن و عمومى فراهم شده است ما ميتوانيم انگشت روى نقطه‏هاى بسيارى از تاريخ اسلام بگذاريم كه ارتداد و عقب‏نشينى مسلمانان و انحراف از تعاليم و سنن اسلامى در آن روشن و آشكار است آيا ميتوان در برابر اين نقاط انحراف و برگشت از سنن دين، تاريخى نشان داد كه اسلام و مسلمين بحساب اين نقشه قرآنى جامعه‏اى تشكيل داده و يك محيط امن عمومى بوجود آورده باشند؟ البته ايجاد يك محيط امن عمومى از تشكيل يك وحدت و ائتلاف اجتماعى ناگزير است و بايست براى ايجاد وحدت عمومى يك اتحاد و اجتماعى بر اساس وحدت عقيده و ايمان موجود باشد البته اسلام در طول تاريخ گذشته قلمرو خود را بتدريج وسعت داده ولى در دائره وسعت خود دامنه اختلاف هم وسيعتر شد و موجبات خوف و ناامنى بيشترى فراهم گرديد و تا كنون دنباله آن كشيده است و ما فهرستى‏

از آن را بطريق اختصار بنظر خوانندگان محترم ميرسانيم.

1- انقلاب سقيفه بنى ساعده در روز وفات پيغمبر صلى الله عليه و آله و سلم.

آثار آن اختلاف ميان مهاجر و انصار و اختلاف ميان خانواده‏هاى انصار و بروز ناامنى در خود شهر مدينه تا بجائى كه خانه خود پيغمبر صلى الله عليه و آله مورد هجوم گرديد و دختر نازنين او آسيب سختى ديد كه بر اثر آن بدرود حيات گفت و تا هميشه خاندان او را دچار اندوه كرد و سپس وحشت و اضطراب در سراسر محيط مسلمانى عربستان بروز كرد و جنگهاى رده آغاز شد و تنها تلفات مسلمانان در جنك يمامه از هزارها نفر تجاوز كرد.

گو اينكه اكثريت مركزى مدينه در اين كشمكشها پيروز شد و مخالفين را سركوب كرد ولى هزارها كشته در خاك و خون غلطيد ده‏ها هزار مردان و زنان و كودكان آنها داغدار وحشت زده شدند.

2- بروز فتنه و فساد و انحراف از دستورات اسلام در دوره حكومت، عثمان دامنه اين ارتجاع و ارتداد از سنن اسلامى بآنجا كشيد كه خوف و هراس سراسر عالم اسلامى وسيع آن تاريخ را فرا گرفت و مسلمانان را برانگيخت تا بمركز اسلامى مدينه هجوم كردند و عثمان را كشتند و امنيت بكلى متزلزل شد و دلى بى‏ترس و وحشت بجا نماند.

3- دوران خلافت پر ماجراى چند ساله امير المؤمنين و جنگهاى خونين جمل و صفين كه در حقيقت شالوده هم آهنگى ظاهرى عمومى مسلمانان را هم از هم پاشيد و سپس بحادثه خوارج كشيد و خانه‏اى بى‏تشويش و اضطراب نماند و ناامنى تا آنجا كشيد كه در مسجد جامع كوفه على عليه السلام شربت شهادت نوشيد.

4- حكومت جبار معاويه كه بعد از اين اوضاع با قدرت شمشير و آتش بر پا شد و سيل خون در شهرستانهاى مختلف اسلام روان كرد و آنقدر از مسلمانان را كشت كه توانست يزيد را بجاى خود بعنوان يك سلطان ارث بر و ارث‏گزار بمسلمانان تحميل كند و زمينه خونريزى كربلا و قتل عام مدينه و آتشباران خانه كعبه را فراهم ساخت چه ناامنى و ترس و هراسى كه در اين دوران تيره بمسلمانان دست داد و آتش جنك و شورش افروخته گرديد و تا چند قرن ادامه يافت.

5- اكنون ميرسيم بدوره انقلابات آخر حكومت بنى اميه و آتشى كه در سراسر محيط اسلامى از خراسان تا مصر برافروخته گرديد و آن خونريزى‏ها و ويرانيها، وحشتها و هراسها كه‏

با واژگونى حكومت بنى اميه اندكى فرونشست و كشتارهاى خلفاى بنى عباس آغاز شد.

6- برهم ريختگى دوران حكومت هرون الرشيد بعد از وفاتش اختلافات امين و مأمون و عرب و عجم و بار ديگر جنك و ستيز از خراسان تا بغداد.

7- بروز ملوك الطوائف در محيط اسلامى از افريقا تا حدود چين و زد و خورد و كشتار 8- حمله بكشورهاى اسلامى و آن همه خونريزى و ويرانى و قتل عام.

9- حمله ببغداد و زوال خلافت عباسى 10- وضع ملوك الطوائف اعقاب چنگيز و قيام تيمور لنگ.

11- خلافت عثمانى و جنگهاى شيعه و سنى 12- پيش آمد جنك بين المللى و تسلط اجانب بر كشورهاى اسلامى.

و اگر ملاحظه مداخلات خصمانه بيگانگان و خصوص نيروهاى نصرانيت، را باين فهرست اضافه كنيم و جنگهاى صليبى و گرفتارى‏هاى اندلس را بحساب آوريم موضوع بسيار روشن است.

اكنون باز پرسش پيش را تكرار ميكنيم و ميگوئيم آن محيط مسلمانى با امن و آرامشى كه مسلمانان جانشين در زمين باشند و متمكن از اجراء مراسم ديانت باشند و بجاى ترس و هراس در امنيت باشند و مخلصانه يگانه‏پرستى كنند در چه تاريخى از دوران گذشته اسلام وجود داشته؟ و بطور محقق جواب منفى است.

پس اين وعده صريح قرآنى چيست و چگونه صورت تحقق بخود ميگيرد؟

ما اين پيشگوئى قرآن را در دو قسمت ارتداد و اصلاح بخاطر خوانندگان ميسپاريم و باتفاق آنان بمطالعه سنت و گفتار پيغمبر ميپردازيم و ملاحظه ميكنيم كه درست همين پيش آمد ارتداد و ارتجاع و عقب‏نشينى در گفتار پيغمبر عينا بيان شده است و همين وعده اصلاح و تشكيل حكومت اصلاحى اسلام بوضع روشنترى موجود است اكنون اين دو قسمت را از احاديث متفق عليه اسلامى مورد مطالعه قرار ميدهيم.

1- حديث تفرقه اسلامى است كه بمضمون كم اختلافى ميان مسلمين معروف و مشهور است و قطعى است.

در خصال صدوق از انس بن مالك روايت كرده كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود بنى اسرائيل در پيروى از عيسى عليه السلام هفتاد و يك فرقه شدند و هفتاد فرقه آنها هلاك شدند و يك فرقه نجات يافتند

و براستى امت من در آينده هفتاد و دو فرقه شوند، هفتاد و يك فرقه آنها هلاك شوند و يك دسته نجات يابند، عرض شد يا رسول الله آن فرقه ناجيه كدامند؟ سه بار فرمود جماعت هستند، مصنف كتاب خصال گويد مقصود از جماعت اهل حق باشند و اگر چه كم باشند چنانچه از رسول خدا روايت شده است كه فرمود مؤمن بتنهائى حجت است و مؤمن بتنهائى جماعت است.

در روايت ديگر از على عليه السلام است كه فرمود از رسول خدا صلى الله عليه و آله شنيدم ميفرمود براستى امت موسى پس از وى هفتاد و يك دسته شدند يك دسته ناجى و هفتاد دسته در دوزخ شدند و امت عيسى عليه السلام پس از وى هفتاد و دو دسته شدند يك دسته ناجى و هفتاد و يك دسته در دوزخ شدند و براستى امت من پس از من هفتاد و سه دسته شوند يك دسته ناجى و هفتاد و دو دسته در دوزخ باشند.

و اخبارى كه همه فرق مسلمانان راجع بانحراف امت از سنن اسلامى بعد از پيغمبر صلى الله عليه و آله بمضمونهاى مختلف نقل كرده‏اند بسيار است و بسيار و از اندازه تواتر افزونست و پيشگوئى پيغمبر از اين پيشامد قطعى است.

و جريان تاريخ هم بعد از دوران پيغمبر اسلام مضمون اين اخبار را تأييد كرد و بمرحله ثبوت رسانيد و اين خود يكى از معجزات آن حضرت در شمار است كه بطور راستى از اين تفرقه و دسته دسته شدن امت خود خبر داده است و البته وضع نفاق و نيات سوئى كه پيغمبر اسلام در آخر دوران زندگى خود ميان يارانش خبر داشت و درك ميكرد كه تلاش و كوشش فراوان او براى ايجاد يك هم آهنگى حقيقى و اتحاد معنوى اثر خود را نبخشيده است و در آخرين روزهاى زندگى خود آزمايشى بعمل آورد و فرمود يك دوات و كاغذ براى من بياوريد تا براى شما يك وصيتنامه بنويسم كه هرگز بعد از من گمراه نشويد. عده از اصحاب كه بالين بستر بيمارى پيغمبر انجمن بودند در اين موضوع اختلاف كردند و حتى نسبت بمقام او گستاخى نمودند و گفتند بيمارى بر او غلبه كرده است و هذيان ميگويد و كار ستيزه و جدال را بجائى رسانيدند كه بر حضرتش نتيجه معلوم شد و دانست جلوگيرى از اختلاف امت ممكن نيست و آنها را از بالين خود راند و با دلى خونين و خاطرى نگران اين جهان را بدرود گفت.

قرآن مجيد اسلام را دين فطرت ناميده و در سوره روم آيه 30 ميفرمايد روى خود را بسوى دين حنيف بدار فطرت خدائى است كه مردم را بر آن آفريده است ديگر گونى براى خلق خدا نيست، اينست دين قيم ولى بيشتر مردم نميدانند.

در اين آيه فطرت و طبع آفرينش بشرى را اساس ديانت گرفته است.

قرآن مجيد اسلام را دين عدالت و احسان و شرافت توصيف كرده است و در آيه 90 سوره نحل ميفرمايد.

براستى خدا دستور بعدالت و احسان و بخشش بخويشان ميدهد و از هرزگى و زشتى و ستم غدقن ميكند، شما را پند ميدهد شايد ياد آور شويد- يعنى بفطرت انسانى خود برگرديد و از انحراف و كجروى‏ها باز آئيد.

قرآن مجيد اسلام را دين خرد و دانش معرفى كرده است و در آيات بسيارى اساس فضيلت بشرى را تعقل و خردمندى، دانش و بصيرة و تفكر شناخته در آيه 9 سوره زمر ميفرمايد آيا كسانى كه ميدانند و كسانى كه نميدانند با هم برابرند.

همانا خردمندانند كه متوجه ميشوند و ياد آور ميگردند و در ضمن آيه 16 و 17 همين سوره ميفرمايد مژده بده بندگان مرا آن كسانى كه گفته را ميشنوند و درك ميكنند و بهترين گفته‏ها را پيروى ميكنند، آنانند آن كسانى كه خدا هدايت كرده و آنانند آن كسانى كه هم آنها صاحبان خرد ميباشند.

بنا بر اين اسلام دين فطرت و عدالت و احسان و عقل و دانش است و بايد دوش بدوش پيشرفت اندامى و علمى و عقلى بشر پيش برود و هيچ توقف و عقب ماندگى نداشته باشد و در ماهيت چنين دينى ارتجاع و برگشت موضوع ندارد از اين رو اسلام و قرآن انحراف از سنن ثابته و اساس پرورش اسلامى را ارتداد و ارتجاع وصف كرده است و طبعا ارتجاع مخالف با فطرت و عدالت و دانش است و هر چه اين انحراف بيشتر شود ظلم و ستم و جور بيشتر گردد تا بجائى كه سراسر زمين را فرا گيرد پيغمبر اسلام اين آينده تاريك را پيش بينى كرده و دنبال آن يك اصلاح عمومى و عميق و نهائى وعده داده است كه جهان سراسر ستم و جهان سراسر جور و ناحق بواسطه قيام يك شخصيت الهى پر از عدل و داد مى‏شود و اين دو پيش بينى بسيار پر معنا در ضمن جمله كوتاهى ادا شده است كه: يملؤها قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا اكنون ما اخبارى را كه در نقل اين جمله و موافقات ديگر از طرق مسلمانان مخالف اماميه نقل شده است ياد آور ميشويم تا معلوم شود كه اين جمله بطور مسلم و يقينى از پيغمبر اسلام صادر گرديده است و موافق همان نويد و بشارت قرآنى است.

ما براى روشن شدن موضوع فصل 52 مقدمه ابن خلدون را كه در موضوع ظهور فاطمى و قيام مهدى نوشته است عينا ترجمه نموده و بنظر خوانندگان محترم ميرسانيم زيرا ابن خلدون بتصديق دانشمندان شرق و غرب يكى از نوابغ مورخان و دانشمندان اسلامى است و از كسانى‏

است كه در تحقيق اخبار و قضاياى تاريخ بسيار دقيق و خرده گير و كم باور بوده است و كوشيده براى تحقيق اين موضوع همه اخبارى كه مورد اعتماد و قابل توجه او بوده جمع آورى كرده و نظرياتى در اين زمينه اظهار داشته منظور ما از ترجمه اين فصل كتاب اينست كه نقاط موافق اخبار و اظهارات او را گرفته و مؤيد اخبار و عقائد اماميه شناسيم و نقاط مخالف را مورد نظر قرار داده و منصفانه جواب گوئيم تا موضوع كاملا روشن گردد[[1]](#footnote-1)

1. ابن بابويه، محمد بن على، كمال الدين / ترجمه كمره‏اى - تهران، چاپ: اول، 1377ش. [↑](#footnote-ref-1)